



ارسلان پوریا

نمایشنامه: تراژدی کیوجیه
نویسنده: ارسلان پوریا
تاریخ نگارش: ۱۳۳۷
چاپ اول: ۱۳۳۷
تعداد صفحات: ۹۳
قیمت: ۲۵ ریال

نمایشنامه در چهار پرده و نوزده صحنه

شخصیت های نمایشنامه: کیوجیه - بردیا - داریوش - گنومات - اوتان - و شتاسپ - اسپندات - هارپاک - فرانک - رخسانه - پریوش - آرش - آریان - اردشیر - دادبه - سوخرای - گدای کور یهودی - پسامتیک - عده ای داندخواه - رجال - فرستادگان کشورهای دیگر - سربازان اهورامزاد و ایزدان آسمانی و دیگران.

خلاصه نمایشنامه:

پس از مرگ «کوروش» شاه پارس، پسر بزرگ او کیوجیه به سلطنت می رسد. «بردیا» فرزند دیگر کوروش که کوچکتر از کیوجیه است، دارای صفات و خصلت های ارزنده ای است، که در شجاعت نیز همتا ندارد. در کاخ شاه، فرستادگان کشورها برای دادن هدایا به نزد کیوجیه می آیند. فرستاده کشور «حبشه» کمائی راهدیه آورده است که معتقد است کسی نمی تواند آن را بکشد. کیوجیه دست بر کمان می برد و موفق نمی شود. بردیا، کمان را می گیرد و به آسانی آن را می کشد، هلهله مردم برای تشویق بردیا بلند می شود. کیوجیه احساس می کند که در دل مردم جای ندارد، از همین رو کینه برادرش بردیا را به دل می گیرد. «هارپاک» سردار لشکر، «اسپندات» پزشک مخصوص و «فرانک» مادر کیوجیه سعی دارند و او را تسلی دهند.

از سوی «آرش»، «آریان» و «اردشیر» سرداران ایرانی، خصلت های فرمانروایی را در کیوجیه نیافته و آنرا در وجود بردیا می یابند. بردیا با ظلم و ستم برادرش مخالف است و همین مسئله کینه تیزی کیوجیه را روز به روز بیشتر می کند. «پریوش» خواهر «داریوش» به بردیا علاقه مند است و آن دو سخت یکدیگر را دوست دارند. کیوجیه نیز سخت عاشق پریوش است و در حسرت و ضال او می سوزد. «گنومات» منبع آتش افروز پارس، در حیرت قدرت و مقام است. خود را به کیوجیه نزدیک کرده و به تدریج در

پریان در آغاز تاکنون

از آغاز تاکنون

حسین فرخی

دل او نفوذ می‌کند. با وسوسه گنومات، بردیا در خواب و توسط کبوجیه کشته می‌شود و همه جا چار می‌زنند که بردیارا پنا به وصیت کوروش به حکومت خوارزم فرستاده‌اند. فرانک از راز کشته شدن پسرش باخبر می‌شود و از کبوجیه می‌خواهد که پیکر بردیا را به او نشان دهد. فرانک زهر می‌خورد و خود را می‌کشد. حالا کبوجیه مانده است و خواهری به نام «رخسانه».

کبوجیه سعی دارد پریش را رام کند. با توطئه گنومات پیام ساختگی می‌رساند که رخسانه قصد دارد پریش را ببیند. پریش داخل قصر شده و در آنجا با گنومات مواجه می‌شود که به او قصدسویی دارد. کبوجیه را به گوشه‌ای پرتاب کرده و متواری می‌شود. پدر پریش و برادرش داریوش، در پی او به هر جا سر می‌زنند اما نشانی از پریش نمی‌یابند. پریش می‌اندیشد که بردیا در خوارزم است، لباس مبدل می‌پوشد و قصد رفتن به خوارزم را دارد که در بین راه جان می‌سپارد. پیکر از سوی داریوش برای بردیا در خوارزم پیام می‌برد، ولی با جواب منفی و خبر مرگ پریش باز می‌آید. با وسوسه گنومات، کبوجیه به مصر لشکر می‌کشد و آن جا را تصاحب می‌کند. لشکر به سوی حبشه حرکت می‌کند. در بین راه گرسنگی دامن گیر سپاه می‌شود و کار به جایی می‌رسد که سپاهیان درصدد خوردن یکدیگر برمی‌آیند. «هارپاک» توسط چند سرباز کشته می‌شود. کبوجیه به مصر برمی‌گردد و داریوش و سرداران دیگر قصد انتقام از او را دارند.

همزمان ولوله درمی‌گیرد که بردیا در پایتخت به سلطنت نشسته است. رخسانه از راه می‌رسد و کبوجیه به قتل بردیا، اعتراف می‌کند و می‌گوید آنکه در پایتخت بر سلطنت نشسته است، گنومات است که خود را به ظاهر بردیا آراسته است. کبوجیه می‌میرد و داریوش و سپاهیان تصمیم می‌گیرند برای سرکوبی گنومات به سوی پایتخت روانه شوند.

□ □ □

«ارسلان پوریا»، از آن دسته نمایشنامه نویسانی است که بیشتر در حال و هوای تاریخی سیر می‌کند. اکثر آثار او مسائل تاریخی را تصویر می‌کند و در تمامی آنها نیز محور اصلی درگیری میان خیر و شر است. در «تراژدی کبوجیه» که از نظر پرداخت نمایشی، نویسنده تلاش فراوانی کرده است تا به صورت آثار کلاسیک آنرا ارائه کند، با دو نیروی متضاد خیر و شر روبرو هستیم. دو نیرویی که در واقع از یک پدر و مادرند، دو برادر، یکی «بردیا» با خصوصیات اخلاقی ممتاز و برجسته، مردم‌دار، پهلوان و جنگجو، شاعرپیشه و دل‌رحم و باعظمت و دیگری «کبوجیه»، ترسو، بزدل، احمق، ضعیف و سست و درعین حال حسود و قدرت طلب. کبوجیه اصولاً هیچ نوع فضائل اخلاقی خاص را با خود همراه ندارد.

در تراژدی کبوجیه، شخصیت‌هایی که تصویر می‌شوند بی‌شباهت به شخصیت‌های آثار شکسپیر نیستند. بردیا - کبوجیه - گنومات - فرانک - رخسانه - پریش - آرش - داریوش و ... خواننده به نوعی آنها را نزدیک به هملت، اتللو، دزدمونا یا گو، افلیا و ... می‌بیند. چرا که سرنوشت تمامی این اشخاص کم و بیش شبیه به شخصیت‌های آثار شکسپیری است.

پوریا تلاش فراوانی می‌کند تا ساختار نمایشنامه اش را بدین گونه تنظیم کند و می‌توان گفت تا حدودی نیز در این مهم به توفیق دست می‌یابد، بالاخص شخصیت پردازی کبوجیه، بردیا، و گنومات که دقیق و موشکافانه است.

«گنومات» یک فرصت طلب فریبکار و مکار است که دقیقاً مثل «یاگو» در نمایش «اتللو» عمل می‌کند. دسیسه چینی، فریب و اغواگری، شاخص‌های وجودی گنومات هستند. او قصد دارد به تخت سلطنت تکیه زند و برای همین به درگاه کبوجیه راه پیدا می‌کند، با زبان شیرین خود برخلاف دیگران، از کبوجیه تعریف و تمجید می‌کند و به تدریج اعتماد او را نسبت به خود جلب می‌کند تا جایی که موفق می‌شود توسط کبوجیه بردیا را از میان بردارد. سپس با طرح دقیق کبوجیه را از پایتخت خارج کرده و در نهایت خود به نام بردیا بر تخت می‌نشیند.

در نقطه مقابل کبوجیه و گنومات مغ، بردیا وجود دارد، بردیایی که با

بچه‌ها هم‌زبان می‌شود، با مردم می‌جوشد، رنج و درد و اندوه آنها را می‌شناسد، عاشق می‌شود و شعر می‌گوید و از نیکی‌ها و خوبی‌ها حرف می‌زند.

شخصیتی شبیه به «هملت»، با این تفاوت که در هملت، مادر است که خیانت می‌کند و عمو جای پدر را می‌گیرد و در تراژدی کبوجیه، این برادر است که خیانت می‌کند و بردیا از حکومت او و ظلم و ستمی که بر مردم روا می‌دارد، ناخشنود است. بردیا مطلقاً قصد به حکومت رسیدن ندارد. و احساس می‌کند که کبوجیه، به نوعی خصایص نیک پدرش را نیز پایمال می‌کند. او هم مثل هملت عاشق است، عاشق پریش، خواهر داریوش. بردیا سمبلی از حکومت مردمی است که «پوریا»، در تراژدی کبوجیه آورده است. در مجموع، «تراژدی کبوجیه» از انسجام خوبی برخوردار است و نویسنده توانسته است ضربه‌ها را در بستر قصه ایجاد کند.

نمایشنامه: آرش شیوانتیر

نویسنده: ارسلان پوریا

تاریخ نگارش: آبان ۱۳۳۸

ناشر: توکا

تعداد صفحات: ۵۵

قیمت: ۷۵ ریال

نمایشنامه در یک بخش

اشخاص: منوچهر - قارن - فرهاد - بوذر - آرش - موبد - گرسیوز -

پیرمردان - مادران - سربازان

خلاصه نمایشنامه:

«منوچهر شاه» در مصاف با تورانیان دچار مشکل می‌شود. تورانیان قصد دارند سرزمین ایران را تصاحب کنند و منوچهر با آنان بیعتی می‌کند تا به موجب آن یکی از کمان‌داران ایران بر بالای کوه «رویانه» قرار گیرد و تا هر کجا که تیر او فرو افتد، مرز میان ایران و توران قلمداد شود. مردم از این عهد و پیمان راضی نیستند. «آرش» که پدرش از سپاهیان منوچهر شاه بوده است و در جنگ با تورانیان کشته شد، از راه می‌رسد. او به این نیت آمده است تا شمشیر برگیرد و به دشمن بتازد. او از جریان عهد و پیمان منوچهر آگاه می‌گردد، سخت شوریده و عصبانی می‌شود.

آرش به درگاه «اهورا مزدا» سر به نیایش برمی‌دارد و از او قدرتی بیکران می‌خواهد تا بتواند ایران را آزاد کند. «موبد موبدان» تیر الماس نشان را به آرش می‌دهد. موعد مقرر برای انداختن تیر فرا رسیده است. پهلوانی می‌آید تا تیر را بیاندازد. همزمان آرش نیز می‌رسد، ابتدا حرف‌های او را دیوانگی می‌پندارند و سرانجام با نظر «قارن» و پیرمردان، منوچهر شاه راضی می‌شود تا آرش تیر را بیاندازد. آرش تیری می‌اندازد که تا جیحون می‌رود و در آنجا در تنه درختی کهن فرو می‌آید و آرش خود نیز جان را تسلیم این تیر می‌کند.

□ □ □

«پوریا» ضمن گریزی به شرایط اجتماعی ایرانیان، فاصله طبقاتی زندگی در ایران، مردم و درباریان و شکاف عمیق بین آنها و در نهایت بررسی روحیات آرش کمانگیر و وابستگی او به طبقه محروم جامعه، از داستان تاریخی آرش را که مقابله با ترس و زبونی شاهان در پرخردهای این دو شخصیت، بیان می‌کند. آرش در میان مردم، آشنا با غم و درد و اندوه آنها و منوچهر شاه، شکست خورده و مغبور و تسلیم شده در مقابل دشمن، روحیه ملی‌گرای و دوست‌داشتن وطن، تنها انگیزه‌ای است که آرش و مردم را به ایستادگی در مقابل تورانیان می‌کشاند. یا اینکه مردم از منوچهر و حکومتش ناراضی هستند، اما علیرغم این کینه، آرش جهت پاسداری از سرزمین ایران، حاضر می‌شود جان خود را در طبق اخلاص نهاده و در

درگیری های موجود در غالب آهنگین، باعث شده است تا رستاخیز تبریز به متنی آشفته و پریشان تبدیل شود. کاربرد شعر در این متن یا «تازیانه بهرام» متن دیگر نویسنده که پایان شعر سروده شده است، مطلقاً قابل قیاس نیست.

نمایشنامه: تازیانه بهرام
 نویسنده: ارسلان پوریا
 چاپ اول: فروردین ۱۳۳۷
 تعداد صفحات: ۶۷
 قیمت: ۲۵ ریال

نمایشنامه در دو پرده

مردم نمایش: گوردز - گیو - بهرام - بیژن - زنگنه شاوران - کرکین - رهام - کسبتم - دسته سربازان ایرانی - سرباز نخستین - لادن - انبوه مردم لادن - پیرمرد - زن - پیران - روئین - تژاو - سربازان تورانی

خلاصه نمایشنامه:

سپاه ایران زمین در منطقه «لادن» مجبور به عقب نشینی می شود. تورانیان آنجا را به آتش می کشند و همین مسأله انگیزه ای می شود برای «بهرام» پسر «گوردز» سپهسالار ایران، تا دوباره به لادن باز گردد. او ابتدا از «گیو»، «بیژن»، «کرکین» و دیگر سرداران در خواست می کند تا به جنگ دوباره با تورانیان بپردازند. آنها نمی پذیرند و حتی گوردز سپهسالار ایران، جنگ را به وقتی دیگر محول می کند. بهرام با این بهانه که تازیانه اش در سرزمین لادن جامانده است برمی گردد. او مردم را بسیج می کند تا به جنگ با تورانیان برخیزند. «لادن» دختری از آن سرزمین با بهرام همدستان می شود و با تورانیان درگیر می شوند.

«پیران» سپهسالار توران که وجود بهرام را خطرناک می بینند، به «تژاو» یکی از ایرانیانی که به توران پیوسته، دستور قتل بهرام را می دهد. تژاو با خنجر زهرآلود از پشت به بهرام حمله می کند و او را می کشد. ایرانیان باز می آیند و مرگ بهرام انگیزه مقاومت مجدد آنان می شود.

□ □ □

«تازیانه بهرام» با زبان شعر و آهنگین خود حماسه ای از زندگی ایرانیان را ترسیم می کند. بهرام شاهزاده ایرانی که حاضر نیست قطعه ای از زمین وطن در اختیار تورانیان باشد، پس از اینکه دیگران همراهش نمی شوند به بهانه جا گذاشتن تازیانه اش به سرزمین لادن برمی گردد و با دشمن درگیر می شود.

«لادن» نمادی است از سرزمین لاله خیزی که زیر سم ستوران تورانی قرار دارد و «تازیانه بهرام» وجدان اوست که مداوم بر او نهیب می زند و نمی تواند شاهد مرگ و میر و درد و فقر و اندوه و کشتار مردم باشد. بهرام دیدگاهی مردمی دارد و از همین روست که پیوند عمیقی در برخورد با مردم دارد و همین ارتباط است که پایداری مردم را به ارمغان می آورد، مردمی که علیرغم نبود سلاح، در برخورد با تورانیان، آنها را شکست می دهند.

شهادت بهرام، آگاهی را در نزد سپاه ایران به ارمغان می آورد و در واقع تراژدی مرگ اوست که باعث بیداری وجدان خفته سپاهیان ایران می شود. زبان آهنگین نمایشنامه، امکان تحرک بیشتری را فراهم می آورد و این آهنگ کلام می تواند دریازی بازیگران تأثیر بسزایی داشته باشد تا بر بار حماسی نمایش بیفزاید.

نویسنده وزن و قافیه شعرهایش را در لحظاتی که می خواهد دیالوگها را در یک بده بستان نمایشی قرار دهد، خرد کرده و بین بازیگران تقسیم می کند، این جایجایی آهنگ شعرگونه متن را از بین نمی برد، بلکه باعث تأکید روی جملات خاص نویسنده می شود. می توان «پوریا» را یک نمایشنامه نویس کلاسیک کار قلمداد کرد. نمایشنامه نویسی که در تمامی آثارش سعی کرده است وقایع تاریخی را در



مقابل آزادی وطن، تقدیم کند.

نمایشنامه: رستاخیز تبریز
 نویسنده: ارسلان پوریا
 تاریخ نگارش: ۱۳۵۰
 چاپ اول: ۱۳۵۰ - چاپ دوم ۱۳۵۷
 ناشر: فرزانه
 تیراژ: ۳۰۰۰
 تعداد صفحات: ۱۳۲
 قیمت: ۱۲۰ ریال

نمایشنامه در پنج پرده

اشخاص نمایش: عدالت - شریف زاده - علی مسیر - دارو فروش - اجلال الملک - بصیر السلطنه - تربیت - عباس - بوالحسن - داروغه اول - داروغه دوم - داروغه سوم - شجاع نظام - میرهاشم - جمعه - زن - مهدی انجمن - پاختیانوف - ستارخان - حسین باغبان - ایلدرم - افسر - زن - آیدین پاشا - یاقر خان - هاشم - رحیم خان - مرشد - شاگرد - مشهد سلیم - احمد علی - شجاع سپه - باسکرویل - چلیتر - فرستاده آمریکا - مردم - زنان - مجاهدان - سربازان - دانش آموزان

خلاصه نمایشنامه:

همزمان در جریان مشروطه و به توپ بستن مجلس توسط «محمد علی میرزا» با توطئه «پاختیانوف»، در تبریز به سرکردگی «یاقرخان» و «ستارخان»، حرکات نظامی شروع می شود. این درگیری ها به مرکز شهر نیز کشیده می شود و در نهایت سرکوب می شود. خانه انجمن، محل درگیری و شروع حرکت است و مشروطه خواهان در پی به کرسی نشاندن حرکت خود هستند.

□ □ □

«رستاخیز تبریز»، نمایشنامه آهنگین دیگری از ارسلان پوریا، در مورد مشروطه و قیام مسلحانه در تبریز است. داستان مشروطه و شروع و پایان آن، از جمله داستانهایی است که درباره آن، چند نمایشنامه تحریر شده است. «شیخ شهید» از محسن مخملباف، و «مشروطه خواهان» از «محمد رضا صبادقی» از این جمله اند.

در رستاخیز تبریز، نویسنده مجموعه حوادث مربوط به درگیری های انجمن در شهر تبریز، دیدگاههای شریف زاده و تربیت که در تضاد با دیگران هستند و قیام ستارخان و یاقرخان و حوادث منشعب از به توپ بستن مجلس و شکست مشروطه را به صورت شعر در آورده است. تعدد موضوعات از یکسو و ناهختگی نویسنده در تنظیم مفاهیم مشروطه و